



گدایی به سبک دعا‌فروشی / گدای مسافر، کلاغی که به خانه نمی‌رسد

این روزها وقتی در خیابان‌های شلوغ شهر گام برمی‌داریم شاهد کودکانی هستیم که به بهانه دعا‌فروشی گدایی کرده و با برانگیختن احساسات به اهداف خود که گرفتن پول از ماست، می‌رسند.

گدایی چسبنده پدیده‌ای نو در قرن 21

گدایی به سبک دعا‌فروشی / گدای مسافر، کلاغی که به خانه نمی‌رسد

این روزها وقتی در خیابان‌های شلوغ شهر گام برمی‌داریم شاهد کودکانی هستیم که به بهانه دعا‌فروشی گدایی کرده و با برانگیختن احساسات به اهداف خود که گرفتن پول از ماست، می‌رسند.

به گزارش خبرگزاری فارس از زنجان، این روزها که به فصل آغاز مدارس نیز نزدیک هستیم، کمتر روزی است که پشت یکی از چراغ‌های قرمز به کودکانی بر نخوریم که با التماس از ما می‌خواهند، آدامس بخریم یا بابت پاک کردن شیشه ماشین پولی به آنها بدهیم.

اما برخلاف گذشته لباس‌های آنها وصله‌دار و مندرس نیست، اما نوع نگاه آنها آنقدر معصومانه است که کمتر کسی پیشنهاد آنها را رد می‌کند، حتی افرادی نیز وجود دارند، که بدون خرید جنس نیز به آنها کمک می‌کنند.

نکته جالب توجه بازیگری ایده‌آل این گروه از کودکان است که با عجز و التماس به گونه‌ای احساسات مردم را تحریک می‌کنند که کسی جرات پیدا نمی‌کند، پیشنهاد آنها را رد کند.

*گدایی به سبک دعا‌فروشی

یکی از متکدیان یا به اصلاح عامیانه گداهای معروف شهر که شغل #171; دعا‌فروشی را دنبال می‌کند، دخترک پنج ساله‌ای است که با در دست گرفتن برگه‌های کوچک دعا که شامل دعای #171; آیت‌الکرسی است، سعی در تحریک احساسات مردم داشته و به شیوه حرفه‌ای این کار را دنبال می‌کند، این کودک در ابتدا با وارد شدن در معابر شلوغ از جمله بانک‌ها از مردم درخواست خرید دعا دارد و با بیان اینکه مریض دارد، از مردم می‌خواهد که به او کمک کنند و وقتی تقاضای او در خصوص خرید دعا رد می‌شود، از شخص می‌خواهد که مبلغی را به او کمک کنند.

به گفته برخی از ساکنان محل، برادر این کودک و پدرش او را مجبور به دعا‌فروشی و در نهایت گدایی می‌کنند.

*گل‌فروشی و آدامس‌فروشی

اما دیگری پسرک خردسالی است که در خیابان‌های شلوغ زنجان زمانی که چراغ قرمز است، از رانندگان می‌خواهد که کالاهای او را خریداری کنند، اما وقتی این درخواست رد می‌شود، از رانندگان می‌خواهد که مبلغی را به او کمک کنند، کودکی که شاید درآمدش بیشتر از هر کدام ما باشد.

*معلولیت راهی برای درآمد

دخترک گدا که به ظاهر معلول است، به زحمت خودش را روی زمین می‌کشد و از این طریق در تلاش است تا توجه عابران را جلب کند که تا کنون نیز موفق عمل کرده است.

اما تفاوت این کودک با دیگران این است که بومی نیست و به تحریک خواهرش با لهجه‌ای که شبیه به عرب زبان‌ها است، به شغل پردرآمد گدایی مشغول است.

*گدایان مسافر

گدایان مسافر از دیگر اقشاری هستند که یک ساک رنگ و رو رفته و کهنه لوازم شغلی آنها است، گدایانی که هر روز و همیشه برای برگشت به دیارشان به مشکل خورده‌اند! اما به هیچ عنوان بلیت قبول نمی‌کنند، فقط پول نقد!

آنها با ایستادن در مبادی خروجی شهر و ورود به اتوبوس‌های عبوری اعلام می‌کنند که اهل شهر دیگری هستند و برای رسیدن به

مقصد پول ندارند و از شما می‌خواهند که او را یاری کنید.

*گدایان نسخه‌دار

گدایان نسخه‌دار محل تردد این افراد حوالی درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها است و همیشه یک برگه از پزشک محترم که روی آن نام چند دارو نوشته شده را در دست دارند و بیماری لاعلاج وجه مشترک این گروه از گداها است.

*فعالیت خانوادگی گدایان

گروه دیگری از گدایان نیز در شهر فعالیت دارند که به صورت ترکیبی و خانوادگی گدایی می‌کنند، ترکیب این گروه از گدایان یک فرزند و یک زن یک بچه خسته با سر و صورت کثیف است که در آغوش مادر به خواب رفته است.

اما نکته جالب توجه این است که درآمد این گداها شاید بیشتر از یک کارمند معمولی و یا فردی باشد که یک شغل آزاد دارد، چراکه همواره با جالب توجه و ترحم همیشه بخش اعظمی از کمک‌های مردمی به این گروه اختصاص پیدا می‌کند.

سوالی که در این زمینه وجود دارد، این است که چرا اینگونه گدایی در استان این روزها افزایش یافته است، شاید یکی از علل اصلی آن درآمد بالا و وسوسه‌انگیز آن است.

عادت کردن به شغل گدایی نیز از دیگر موضوعاتی است که موجب انجام این کار می‌شود.

*عادت کردن علت گدایی برادرم است

برادر یکی از همین گدایان است در گفت‌وگو با خبرنگار فارس با اشاره به وضعیت مالی مطلوبی که وی دارد، اظهار داشت: وضعیت مالی ما مناسب است و نیازی از نظر مالی نداریم، اما برادرم به صرف عادت این کار را انجام می‌دهد.

وی با اظهار تاسف از شغلی که برادرش در پیش گرفته است، ادامه می‌دهد، چند بار تلاش کرده‌ام که برادرم را از این کار منصرف کنم اما موفق به این کار نشده‌ام.

این شهروند زنجان درآمد برادرش را بیش از 2 میلیون تومان در ماه عنوان می‌کند و می‌افزاید: برخلاف تلاش‌هایی که من و خانواده برادرم انجام داده‌ایم، موفق به منع او از این کار نشده‌ایم.

وی ادامه می‌دهد: گدایی به یک عادت در وجود برادرم تبدیل شده است و هیچ‌کس نمی‌تواند، مانع او شود.

*بیماری همسرم مرا مجبور به گدایی کرده است

یکی از گداهای زنجان نیز در گفت‌وگو با فارس عنوان کرد: بیماری همسرم موجب شده است که گدایی کنم.

ابرازات او جالب است، او اعتقاد دارد گدایی شغل شریفی است، اظهار می‌کند: من دوست ندارم برای حل مشکلم به دستگاه‌های حمایتی مراجعه کنم، چراکه خودم توانایی کار کردن دارم، درآمدی که من از گدایی دارم، حلال است، چراکه مردم با رضایت خود به من کمک می‌کنند.

وی با ابراز رضایت از درآمد خود می‌افزاید: من از درآمد راضی هستم، همین که محتاج هیچ کس نیستم، برایم کافی است، بالاخره گدایی هم یک شغل است، مانند همه شغل‌ها...

اما باید دید، مشکل این افراد چیست که اقدام به این کار می‌کنند، آیا احساسات ظریف مردم استان موجب این کار شده است و یا فصل مدارس و افزایش خرید منجر به این کار شده است.